MEJDS. 2018; 8:119.
Published online 2019 Mar. **Research Article**

Multi-level Modeling of Individual, Family and Social Factors in Determining Effective Factors on Attitude toward Juvenile Delinquency

Hessameddin Ahmadi Srtakhti[1], *Gholamali Afrooz[2], Mozhgan Sepah Mansour[3], Masoud Lavasani[4], Roya Koochak Entezar[5]

Author Address
1. PhD student of general psychology, Islamic Azad University, Teheran central Branch, Teheran, Iran;
2. Privileged Professor, department of psychology, Teheran University, Teheran, Iran;
3. Associate professor, Islamic Azad University, Teheran central branch, Teheran, Iran;
4. Associate professor, department of psychology, Teheran University, Teheran, Iran;
5. Assistant professor, Islamic Azad University, Teheran central Branch, Teheran, Iran.
***Corresponding Author E-mail:** afrooz@ut.ac.ir

Received: 2017 Jul 27; **Accepted:** 2017 Aug 29

Abstract

Background & Objective: Adolescence is characterized by high risk behaviors such as drugs abuse, delinquency and so on. Some multi–dimensional studies have examined factors influencing juvenile delinquency from various aspects. By this point of view, some individual and environmental factors should be chosen because juvenile delinquency is under the influence of individual factors and adolescent's experiments in their family and their peers. This study examined the effect of three level factors including individual **(**emotional intelligence, self–concept), family **(**perception of parenting styles and family interactions), and social (social support and association with deviant peers) on juvenile delinquency.

Methods: Research methodology is descriptive and research design is correlation with multi–level analysis type. The study population consisted of all high school students Babol, Iran. Cluster sampling was used to recruit 689 students (334 boys & 355 girls). The research instruments were Attitudes toward Juvenile Delinquency Designed by Afzali (2010), Emotional Intelligence Scale by Wong and Law (2002), Self–Concept Scale by Piers and (2008), Perception of Parenting Styles (POPS) by Grolnic, Deci and Ryan (1997), Family Assessment Device (FAD, 1983), the Multidimensional Scale of Received Social Support (MSPSS, 1988), and Association with Deviant Peers Scale by Pascal and colleagues (2003). STATA software, 14th version was used to analyze descriptive statistics such as average and standard deviation and inferential statistics including correlation analysis, multiple linear regression and hierarchical linear modeling. Also the significant level for all of the hypothesis tests was considered 0.05.

Results: The result of hierarchical linear modeling and multiple linear regression showed that the variables of gender, age, acceptance and self–concept did not have any meaningful effect on the attitude towards delinquency but the variables related emotional intelligence (p<0.001), family function (p<0.001), protecting autonomy (p=0.001), the involvement (p=0.010), Association with deviant peers and social support (p<0.001) showed had a statistically significant effect on the attitude towards delinquency.

Conclusion: Individual, family and social factors have a significant effect on attitudes toward juvenile delinquency. The costs which are spent for coping with delinquency can be consumed for adolescent's education and apprenticeship. Recognizing effective factors on juvenile delinquency is necessary for achieving this goal. Identifying different individual, family and social predictors of delinquent behaviors in adolescents can be an important effort for reducing and controlling delinquency.

Keywords: Individual factors, family factors, social factors, juvenile delinquency.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۷؛ (۸):۱۱۹.

انتشار برخط اسفندماه ۱۳۹۷ مقاله پژوهشی اصیل

مدل‌سازی چندسطحی عوامل فردی و خانوادگی و اجتماعی در تعیین عوامل مؤثر بر نگرش به بزهکاری نوجوانان

حسام‌الدین احمدی سرتختی[۱]، *غلامعلی افروز[۲]، مژگان سپاه‌منصور[۳]، مسعود لواسانی[۴]، رؤیا کوچک انتظار[۵]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛
۲. استاد ممتاز گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛
۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛
۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛
۵. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** afrooz@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۵مرداد۱۳۹۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۷شهریور۱۳۹۶

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانی دوره‌ای با مخاطرهٔ بالا، برای دچارشدن به بسیاری از انواع رفتارهای مشکل‌آفرین ازقبیل سوءمصرف مواد و بزهکاری و غیره است. مطالعات متعددی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان را بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل فردی و خانوادگی و اجتماعی در نگرش به بزهکاری نوجوانان انجام شد.

روش‌بررسی: روش اجرای پژوهش، توصیفی و طرح پژوهش همبستگی از نوع تحلیل چندسطحی بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطهٔ شهر بابل تشکیل دادند که ۶۸۹ نفر (۳۳۴ پسر و ۳۵۵ دختر) از آنان به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های بزهکاری، هوش هیجانی، خودارزشمندی، مقیاس ادراک والدین، سنجش خانواده، حمایت اجتماعی و پرسشنامهٔ پاسکال و همکاران بود. جهت توصیف داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و شاخص‌هایی همچون میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای کمی و تعداد و درصد برای متغیرهای کیفی استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون خطی چندگانه و مدل‌سازی خطی سلسله‌مراتبی با بهره‌گیری از نرم‌افزار STATA ویرایش ۱۴ انجام شد. مقدار آلفا در تمامی آزمون‌ها برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در هر دو روش مدل‌سازی خطی چندگانه و سلسله‌مراتبی نشان داده شد که متغیرهای جنسیت، سن، خودارزشمندی و گرمی اثر آماری معناداری بر نگرش به بزهکاری ندارند؛ درحالی‌که متغیرهای هوش هیجانی ($p<۰/۰۰۱$)، عملکرد خانواده ($p<۰/۰۰۱$)، حمایت از خودمختاری ($p=۰/۰۰۱$)، درگیری ($p=۰/۰۱۰$)، ارتباط با همسالان بزهکار ($p<۰/۰۰۱$)و حمایت اجتماعی ($p<۰/۰۰۱$) اثر آماری معناداری بر نگرش به بزهکاری نشان دادند.

نتیجه‌گیری: عوامل فردی و خانوادگی و اجتماعی در نگرش به بزهکاری نوجوانان تأثیر معناداری دارند؛ بنابراین در برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته برای نوجوانان که سرمایهٔ عظیم کشور و جوانان آینده هستند باید به نقش این عوامل توجه شود. پیامدهای نامناسب بزهکاری برای خود نوجوانان و خانواده‌ها و به‌خصوص جامعه بسیار است. برای رسیدن به چنین هدفی باید آگاهی از علل و عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان را کسب کرد.

کلیدواژه‌ها: عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، بزهکاری نوجوانان.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

۱ مقدمه

امروزه توسعهٔ زندگی شهری، گسترش بی‌رویهٔ مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی اجتماعی و جوان‌بودن درصد بیشتری از افراد جامعه باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده و زمینهٔ مناسبی برای مواجهه با انواع آسیب‌ها به‌خصوص در میان قشر نوجوان فراهم ساخته است. ازجملهٔ این آسیب‌ها می‌توان به پدیدهٔ بزهکاری نوجوانان اشاره کرد (۱). مطالعات متعددی از مناظر گوناگون، عوامل اثرگذار بر بزهکاری نوجوانان را بررسی کرده‌اند و هدف، شناسایی متغیرهای اثرگذار بر شکل‌گیری بزهکاری نوجوانان بوده است. نظریهٔ نظام‌های بوم‌شناختی «برونفن‌برنر» چارچوبی کاربردی برای بحث دربارهٔ تعیین‌کنندهٔ رفتار بزهکاری نوجوانان فراهم می‌کند. مطابق با این نظریه علاوه‌بر عوامل فردی، بافت اجتماعی که اشخاص در آن زندگی می‌کنند، نقش مهمی در فهم رفتارهای افراد دارد.(۲). واژهٔ هوش هیجانی[1] از این باور نشأت گرفت که هیجان‌ها عنصری مهم در هوش هستند. هوش هیجانی بین عاطفه و شناخت تعادل ایجاد می‌کند که منجربه کنش سازگارانه می‌شود (۳). نتایج برخی پژوهش‌ها بر جوانان حاکی‌از آن است که بین هوش هیجانی و مشکلات رفتاری ارتباط منفی وجود دارد. هر اندازه نوجوانان و جوانان بتوانند هیجان‌های خود را بهتر مدیریت کنند و از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، مشکلات رفتاری کمتری نظیر پرخاشگری، بزهکاری و... در آن‌ها مشاهده می‌شود (۴). ازسوی‌دیگر احساس خودارزشمندی به‌عنوان یکی از ابعاد مستند در پیش‌بینی رفتار و موقعیت انسانی است که تلفیقی از توسعهٔ شخصیت و انگیزش و یادگیری را در قالب ساختاری منحصربه‌فرد ارائه می‌دهد (۵). بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته سطح ضعیف حرمت خود را حداقل به‌مثابهٔ عاملی مستعدکننده برای بزهکاری قلمداد کرده‌اند. نتایج پژوهش پیرانت (۲۰۰۸؛ به نقل از ۶) نشان داد احساس خودارزشمندی مثبت از عوامل بسیار مهم در سازگاری اجتماعی و پیشگیری از مشکلات رفتاری شایع است. همچنین احساس خودارزشمندی منفی رابطهٔ مستقیم با مشکلات رفتاری در پسران دارد. خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، در کنار عوامل درون‌فردی، نقش مهمی در تحول نوجوانان ایفا می‌کند. والدین به‌عنوان اولین عامل اجتماعی‌کردن فرزندان، نقش مهمی در ارضای نیازهای روان‌شناختی و تحول مثبت آنان دارند. در نظریهٔ خودتعیین‌گری ریان و دسی تأثیرگذاری والدین در قالب سه سبک فرزندپروری درگیرشدن و حمایت از خودمختاری و گرمی بررسی شده است (۷). نبودن حمایت اجتماعی یکی دیگر از عواملی است که در بروز و شیوع اختلال‌های رفتاری و بزهکاری نوجوانان نقش دارد. سارافینو (۸) بیان می‌کند حمایت اجتماعی اشاره دارد به آرامش ادراک‌شده، علاقه، احترام و کمکی که شخص از مردم یا گروه‌های اجتماعی دریافت می‌کند و این حمایت می‌تواند از منابع مختلف ناشی شده باشد. از سوی دیگر پژوهشگران دریافتند که بزهکاری همسالان از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری نوجوانان است. ارتباط با همسالان بزهکار درگیری در انحرافات را تسهیل می‌کند. به‌ویژه هنگامی‌که نوجوانان برای چنین رفتارهایی انگیزه دارند. علاوه‌براین ارتباط با همسالان بزهکار به‌عنوان منبع لذت از طریق فراهم‌کردن پاداش‌های فردی و بین‌فردی زمینه را برای درگیری در رفتارهای انحرافی فراهم می‌سازد. شناسایی سطوح مختلف فردی و خانوادگی و اجتماعی را در شکل‌گیری بستر رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان، می‌توان گامی مهم در کاهش و کنترل بزهکاری دانست (۴). همچنین می‌توان با تقویت و ایجاد این عوامل نگهدارنده و محافظت‌کننده در افراد، آنان را از درون در مقابل ارتکاب مجدد بزهکاری مقاوم کرد. بر همین اساس و در پاسخ به این خلأ پژوهشی، مطابق با نظریهٔ برونفن برنر که نقش سطوح مختلف را در رفتار افراد برجسته می‌کند، پژوهش حاضر به بررسی نقش عوامل سطح فردی (هوش هیجانی و احساس خودارزشمندی) و خانوادگی (ادراک از سبک‌های فرزندپروری، کارکرد خانواده) و اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک‌شده، ارتباط با همسالان بزهکار) پرداخته و میزان واریانسی که هریک از این سطوح در بزهکاری نوجوانان را تبیین می‌کند.

۲ روش‌بررسی

جامعهٔ آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطهٔ شهر بابل بودند که ۶۸۹ نفر (۳۳۴ پسر و ۳۵۵ دختر) از آنان به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در پژوهش شرکت کردند. بدین‌صورت که ابتدا هفت مدرسهٔ پسرانه و هفت مدرسهٔ دخترانه انتخاب و از هر مدرسه دو کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین آنان توزیع شد. جهت گردآوری داده‌ها در سطح خانواده و اجتماع از میزان ادراک‌شدهٔ متغیرهای این سطوح توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد. جهت توصیف داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی و شاخص‌هایی همچون میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای کمی و تعداد و درصد برای متغیرهای کیفی به‌کارگرفته شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون خطی چندگانه و مدل‌سازی خطی سلسله‌مراتبی با بهره‌گیری از نرم‌افزار STATA ویرایش ۱۴ صورت گرفت. مقدار آلفا در تمامی آزمون‌ها برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. سطح اقتصادی خانواده به‌شکل سطح ضعیف، متوسط و عالی درجه‌بندی شد. برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای اندازه‌گیری زیر به‌کار گرفته شد.

ـ پرسشنامهٔ نگرش به بزهکاری فضلی (۱۳۸۹): برای اندازه‌گیری نگرش به بزهکاری[2] از این پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه است. گویه‌ها براساس طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۴) اندازه‌گیری شدند. فضلی پایایی این پرسشنامه را در نوجوانان بررسی کرد و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی را ۰/۸۸ به دست آورد (۹).

ـ پرسشنامهٔ هوش هیجانی[3] وانگ و لاو[4] (۱۰): برای اندازه‌گیری هوش هیجانی از استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۶ گویه است.

1. Emotional Intelligence
2. Attitude toward delinquency
3. Emotional Intelligence
4. Wong & Law

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

گویه‌ها براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. شیروانی صریحی اسفستانی در سال ۱۳۹۳ طی پژوهش خود، پایایی پرسشنامه را ۰/۸۲ اعلام کردند (۱۱).

ـ پرسشنامهٔ احساس خودارزشمندی کودکان پیرس‌ـ هریس[1] (۲۰۰۸): به‌منظور اندازه‌گیری احساس خودارزشمندی کودکان[2] از این پرسشنامهٔ ۸۰ گویه‌ای استفاده شد. گویه‌ها براساس طیف سه‌درجه‌ای بله و خیر و گاهی‌اوقات اندازه‌گیری شدند. روایی آزمون توسط پیرس‌ـ هریس در ۵۷ دانش‌آموز ارزیابی و همبستگی آن با نمره‌های درجه‌بندی معلم‌ها از این دانش‌آموزان ۰/۴۱ اعلام شد. در هنجاریابی این مقیاس طی مطالعهٔ اسدی در سال ۱۳۷۴ در استان کرمان، ضریب‌های روایی بین ۳۹ تا ۵۹ درصد و ضریب پایایی ۹۲درصد گزارش شد (۱۲).

ـ مقیاس ادراکات والدین[3] گرولینک، دسی و ریان (۱۹۹۷): به‌منظور اندازه‌گیری ادراک از سبک‌های فرزندپروری والدین، از این مقیاس استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۲ گویه است. گویه‌ها براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از دربارهٔ من اصلاً درست نیست (۱) تا دربارهٔ من خیلی درست است (۵) اندازه‌گیری شدند. این مقیاس شامل خرده مقیاس‌های درگیری مادر و درگیری پدر و حمایت مادر از خودمختاری و حمایت پدر از خودمختاری و گرمی مادر و گرمی پدر است. خرازی و کارشکی در سال ۱۳۸۸ اعتبار کلی ابزار و اعتبار خرده‌مقیاس‌های آن را بین ۰/۶۴ تا۰/۹۳ گزارش کردند (۱۳).

ـ پرسشنامهٔ سنجش خانواده (FAD)[4] : به‌جهت سنجش کارکرد خانواده از این پرسشنامه استفاده شد توسط اپستین و بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۵۳ گویه است. گویه‌ها براساس طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۴) اندازه‌گیری شدند. در مطالعهٔ سالاری در سال ۱۳۸۰ همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۵۸ تا۰/۸۵ و اعتبار بازآزمایی آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۸ به‌دست آمد (۱۴).

ـ مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده[5] زیمن و همکاران (۱۹۸۸): برای اندازه‌گیری حمایت اجتماعی از این پرسشنامه استفاده شد. این مقیاس ۱۲ گویه دارد و پاسخگو نظر خود را در طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) بیان می‌کند. بروور و همکاران در سال ۲۰۰۸ پایایی درونی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کردند (۱۵).

ـ مقیاس همنشینی با همسالان بزهکار[6] پاسکال و همکاران (۲۰۰۳): برای اندازه‌گیری ارتباط با همسالان بزهکار از این پرسشنامه با ۸ گویه استفاده شد. گویه‌ها براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از هیچ‌کدام از آن‌ها (۱) تا همهٔ آن‌ها (۵) اندازه‌گیری شدند. این پرسشنامه را در ایران آلبوکردی و همکاران در سال ۱۳۹۰ ترجمه کرده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شد. در پژوهش آنان پایایی بازآزمایی مقیاس با فاصلهٔ دو هفته ۰/۸۰ به‌دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۳ محاسبه شد (۱۶).

شایان ذکر است ملاحظات اخلاقی ذیل در پژوهش رعایت شد. آزمودنی‌ها از طرح پژوهشی آگاه شده و با رضایت کامل در جلسات پاسخ به پرسشنامه‌ها شرکت کردند. به آزمودنی‌ها درخصوص مخفی‌ماندن اطلاعات خصوصی‌شان نزد پژوهشگر اطمینان داده شد و جهت حفظ حریم شخصی مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر آزمونگیری را در محیط مناسب برگزار کرد.

۳ یافته‌ها

در این مطالعه نگرش به بزهکاری تعداد ۶۸۹ دانش‌آموز دختر و پسر با میانگین سنی ۲/۷۰±۱۷/۰۵ سال بررسی شدند. توزیع ویژگی‌های فردی و اقتصادی‌اجتماعی خانوار آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع ویژگی‌های فردی و خانوادگی آزمودنی‌ها

متغیر	سطح	تعداد	درصد
جنسیت	پسر	۳۳۴	۴۸/۵
	دختر	۳۵۵	۵۱/۵
	کل	۶۸۹	۱۰۰/۰
سن	۱۵ سال	۱۹	۲/۸
	۱۶ سال	۲۳۷	۳۴/۴
	۱۷ سال	۳۳۵	۴۸/۶
	۱۸ سال	۹۸	۱۴/۲
	کل	۶۸۹	۱۰۰/۰
وضعیت اقتصادی‌اجتماعی	ضعیف	۳۷	۵/۴
	متوسط	۶۲۳	۹۰/۴
	عالی	۲۹	۴/۲
	کل	۶۸۹	۱۰۰/۰

[1]. Pierce & Harris
[2]. Children's self-concept
[3]. Perceptions of parents scales (POPS)
[4]. Family Assessment Device (FAD)
[5]. Multiple scale of social support
[6]. Affiliation with delinquent peers scale

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

در این مطالعه علاوه بر نگرش به بزهکاری، متغیرهای دیگری همچون هوش هیجانی، خودارزشمندی، عملکرد خانواده، حمایت از خودمختاری، درگیری، گرمی، ارتباط با همسالان بزهکار و حمایت اجتماعی در سطوح مختلف فردی و خانوادگی و اجتماعی بررسی شد. شاخص‌های توصیفی این متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای بررسی‌شده

سطح	متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
دانش‌آموز	نگرش به بزهکاری	۱/۳۲	۴	۲/۶۶	۰/۴۲
	هوش هیجانی	۱	۵	۳/۵۰	۰/۷۹
	خودارزشمندی	۱/۰۱	۲/۹۹	۱/۹۹	۰/۲۷
خانواده	عملکرد خانواده	۱	۳/۸۶	۲/۲۰	۰/۵۸
	حمایت از خودمختاری	۲	۶/۸۹	۴/۳۸	۱/۰۴
	درگیری	۱/۸۳	۶/۹۲	۴/۴۹	۱/۱۲
	گرمی	۱	۷	۴/۹۳	۱/۴۲
اجتماعی	ارتباط با همسالان بزهکار	۱	۵	۱/۸۹	۱/۱۳
	حمایت اجتماعی	۱	۵	۳/۶۴	۰/۹۱

به‌منظور بررسی ارتباط خطی بین متغیرهای پژوهش از تحلیل همبستگی استفاده شد. جدول ۳ نشان‌دهندهٔ ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای بررسی‌شده است.

جدول ۳. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای بررسی‌شده

سطح	متغیر	نگرش به بزهکاری	هوش هیجانی	خودارزشمندی	عملکرد خانواده	حمایت از خودمختاری	درگیری	گرمی	ارتباط با همسالان بزهکار	حمایت اجتماعی
دانش‌آموز	نگرش به بزهکاری	۱								
	هوش هیجانی	-۰/۷۹*	۱							
	خودارزشمندی	-۰/۵۶*	۰/۴۰*	۱						
خانواده	عملکرد خانواده	-۰/۷۱*	۰/۴۸*	۰/۵۸*	۱					
	حمایت از خودمختاری	-۰/۶۶*	۰/۶۷*	۰/۳۹*	۰/۳۵*	۱				
	درگیری	-۰/۶۱*	۰/۶۳*	۰/۲۸*	۰/۲۹*	۰/۷۹*	۱			
	گرمی	-۰/۶۴*	۰/۶۴*	۰/۲۹*	۰/۳۲*	۰/۷۲*	۰/۷۴*	۱		
اجتماعی	ارتباط با همسالان بزهکار	۰/۶۹*	-۰/۶۴*	-۰/۳۲*	-۰/۴۴*	-۰/۵۳*	-۰/۵۲*	-۰/۶۷*	۱	
	حمایت اجتماعی	-۰/۷۲*	۰/۷۱*	۰/۴۱*	۰/۴۴*	۰/۶۸*	۰/۶۷*	۰/۶۶*	-۰/۵۸*	۱

*$p<۰/۰۵$

همان‌طورکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمامی متغیرهای پژوهش با یکدیگر ارتباط خطی معناداری دارند ($p<۰/۰۵$). مهم‌تر از همه اینکه تمامی متغیرها به‌عنوان متغیرهای مستقل دارای ارتباط آماری نسبتاً زیادی (در حدود ۰/۶ و بیشتر) با نگرش به بزهکاری هستند ($p<۰/۰۵$)؛ ازاین‌رو در بررسی اثر هم‌زمان تمامی این متغیرها بر نگرش به بزهکاری در مدل‌سازی رگرسیون خطی چندگانه، باید پدیدهٔ هم‌خطی نیز مدنظر قرار گیرد. جدول ۴ دربردارندهٔ مدل اولیه و نهایی رگرسیون خطی چندگانه به‌منظور تعیین اثر متغیرهای مستقل بر نگرش به بزهکاری است.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

جدول ۴. نتایج حاصل از برازش مدل اولیه و نهایی رگرسیون خطی چندگانه برای متغیر پاسخ نگرش به بزهکاری

مدل	متغیر	برآورد	خطای معیار	برآورد استانداردشده	مقدار p	VIF*
اولیه (کامل)	جنسیت	۰/۰۲۲	۰/۰۱۵	۰/۰۲۶	۰/۱۳۷	۱/۰۱
	سن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۵۹۲	۱/۰۱
	هوش هیجانی	−۰/۱۴۲	۰/۰۱۵	−۰/۲۷۰	<۰/۰۰۱	۲/۵۴
	خودارزشمندی	−۰/۰۲۷	۰/۰۳۸	−۰/۰۱۲	۰/۴۸۲	۱/۰۲
	عملکرد خانواده	−۰/۲۷۲	۰/۰۱۵	−۰/۳۸۰	<۰/۰۰۱	۱/۴۱
	حمایت از خودمختاری	−۰/۰۳۷	۰/۰۱۳	−۰/۰۹۴	۰/۰۰۴	۳/۴۵
	درگیری	−۰/۰۲۵	۰/۰۱۲	−۰/۰۶۶	۰/۰۳۹	۳/۳۷
	گرمی	−۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	−۰/۰۳۶	۰/۲۵۰	۳/۳۰
	ارتباط با همسالان بزهکار	۰/۰۷۰	۰/۰۰۹	۰/۱۸۹	<۰/۰۰۱	۲/۱۴
	حمایت اجتماعی	−۰/۰۴۷	۰/۰۱۲	−۰/۱۰۲	<۰/۰۰۱	۲/۳۵
نهایی	هوش هیجانی	−۰/۱۴۳	۰/۰۱۴	−۰/۲۷۰	<۰/۰۰۱	۲/۵۳
	عملکرد خانواده	−۰/۲۷۰	۰/۰۱۴	−۰/۳۸۰	<۰/۰۰۱	۱/۴۰
	حمایت از خودمختاری	−۰/۰۴۰	۰/۰۱۲	−۰/۰۹۴	۰/۰۰۱	۳/۲۷
	درگیری	−۰/۰۲۹	۰/۰۱۱	−۰/۰۶۶	۰/۰۱۰	۲/۹۹
	ارتباط با همسالان بزهکار	۰/۰۷۴	۰/۰۰۸	۰/۱۸۹	<۰/۰۰۱	۱/۸۰
	حمایت اجتماعی	−۰/۰۴۹	۰/۰۱۲	−۰/۰۱۲	<۰/۰۰۱	۲/۳۱

* Variance Inflation Factor

باتوجه به جدول ۴، برخلاف ارتباط خطی زیاد نشان‌داده‌شده در جدول ۳، هم‌خطی درخورتوجه‌ای بین متغیرهای مستقل مدل‌های اولیه و نهایی وجود ندارد (VIF<۱۰). همچنین مشخص شد متغیرهای جنسیت، سن، خودارزشمندی و گرمی بر نگرش به بزهکاری اثر معناداری ندارند. پس از حذف این متغیرها در مدل نهایی، تمامی متغیرهای هوش هیجانی، عملکرد خانواده، حمایت از خودمختاری، درگیری و حمایت اجتماعی دارای اثر معنادار و کاهنده‌ای در نگرش به بزهکاری هستند (p<۰/۰۵)؛ درحالی‌که ارتباط با همسالان بزهکار اثر افزایشی بر نگرش به بزهکاری دارد (p<۰/۰۰۱). ضرایب برآوردشده نیز بیانگر اندازهٔ اثر هریک از این متغیرهاست. به‌عنوان مثال با یک‌واحد افزایش در نمرهٔ ارتباط با همسالان بزهکار نمرهٔ نگرش به بزهکاری ۰/۰۷۴ افزایش می‌یابد. ضرایب برآوردی استانداردشده نیز نشان دادند که به‌ترتیب عملکرد خانواده و هوش هیجانی و ارتباط با همسالان بزهکار تأثیر بیشتری را بر نگرش به بزهکاری دارند. ضریب تعیین تعدیل‌شده برای هر دو مدل تقریباً برابر با ۰/۷۹ به‌دست آمده که نشان‌دهندهٔ توان پیشگویی در حدود ۸۰درصد از تغییرات نگرش به بزهکاری توسط متغیرهای مستقل هریک از مدل‌ها است. به‌جهت افزایش دقت برآورد و توان پیشگویی از روش مدل‌سازی خطی سلسله‌مراتبی برای متغیرهای معنادارشده در جدول ۴ استفاده شد. برای این منظور سطح اقتصادی‌اجتماعی افراد عاملی تصادفی در نظر گرفته شده که در مرحلهٔ اول هیچ‌متغیری تعریف‌کنندهٔ آن نبوده و در مرحلهٔ دوم متغیرهای سطح اجتماعی به‌صورت عاملی تصادفی در هریک از سطوح اقتصادی‌اجتماعی بیان شدند. نتایج حاصل از مدل‌سازی خطی سلسله‌مراتبی به‌صورت دو مدل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از برازش مدل سلسله‌مراتبی چندسطحی برای متغیر پاسخ نگرش به بزهکاری

مدل	ساختار	متغیر	برآورد	خطای معیار	مقدار احتمال
اول	بخش اثرات ثابت مدل	هوش هیجانی	−۰/۱۴۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱
		عملکرد خانواده	−۰/۲۷۰	۰/۰۱۴	<۰/۰۰۱
		حمایت از خودمختاری	−۰/۰۴۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
		درگیری	−۰/۰۲۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹
		ارتباط با همسالان بزهکار	۰/۰۷۴	۰/۰۰۸	<۰/۰۰۱
		حمایت اجتماعی	−۰/۰۴۹	۰/۰۱۲	<۰/۰۰۱
	بخش اثرات تصادفی مدل	وضعیت اقتصادی‌اجتماعی (واریانس)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	–
		خطا (واریانس)	۰/۰۳۶	۰/۰۰۲	–
دوم	بخش ثابت مدل	هوش هیجانی	−۰/۱۴۹	۰/۰۱۴	<۰/۰۰۱

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

	عملکرد خانواده	۰/۲۷۲ـ	۰/۰۱۵	<۰/۰۰۱
	حمایت از خودمختاری	۰/۰۴۲ـ	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
	درگیری	۰/۰۳۱ـ	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵
	وضعیت اقتصادی‌اجتماعی (واریانس)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	–
بخش اثرات تصادفی مدل	ارتباط با همسالان بزهکار (واریانس)	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	–
	حمایت اجتماعی (واریانس)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	–
	خطا (واریانس)	۰/۰۳۶	۰/۰۰۲	–

براساس جدول ۵، مدل اول که شامل تنها مؤلفهٔ تصادفی وضعیت اقتصادی‌اجتماعی است برآوردهایی مشابه با مدل رگرسیون خطی چندگانه ارائه می‌کند. به‌عبارت‌دیگر مدل خطی سلسله‌مراتبی درنظرگرفته‌شده تفاوتی با مدل رگرسیون خطی چندگانه نشان نمی‌دهد. این مطلب با استفاده از آزمون نسبت درست‌نمایی دو مدل نیز تأیید شد ($p<$۰/۰۰۱). این مطلب شاید دور از ذهن نیست چرا که با نگاهی به واریانس تبیین‌شده توسط بخش تصادفی مدل مشاهده می‌شود که این واریانس تا سه رقم برآوردی برابر صفر بوده و در مقایسه با واریانس خطا صفر است؛ ازاین‌رو تصادفی درنظرگرفتن این بخش ضروری به‌نظر نمی‌رسد.

همچنین مدل دوم ارائه‌شده در جدول ۵ بیانگر این است که متغیرهای ارتباط با همسالان بزهکار و حمایت اجتماعی که برای تبیین بخش تصادفی در سطوح مختلف اقتصادی‌اجتماعی در نظر گرفته شده، در حدود ۱۲ درصد از واریانس خطا را به‌خود اختصاص می‌دهند؛ ازاین‌رو این مدل بهتر از مدل قبل عمل کرده است. همچنین آزمون نسبت درست‌نمایی نشان داد درمقایسه با مدل رگرسیون خطی ساده، مدل خطی سلسله‌مراتبی دوم بهتر عمل می‌کند ($p<$۰/۰۰۱)، اگرچه می‌توان مشاهده کرد که تغییر محسوسی در برآورد ضرایب مدل و دقت آن‌ها ایجاد نشده است.

٤ بحث

پژوهش حاضر به‌منظور تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر نگرش به بزهکاری در نوجوانان صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد از میان متغیرهای سطح فردی، بین هوش هیجانی با نگرش به بزهکاری نوجوانان رابطهٔ منفی و معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر با افزایش هوش هیجانی نوجوانان، میزان نگرش به بزهکاری آنان کم می‌شود و برعکس با کاهش هوش هیجانی نوجوانان، میزان نگرش به بزهکاری‌شان افزایش می‌یابد. همسو با نتایج پژوهش، فیض‌الهی (۱۷) نشان داد به موازات افزایش هوش هیجانی گرایش مثبت به بزهکاری در نوجوان کاهش می‌یابد. در تبیین نتایج می‌توان گفت طبق نظر گلمن هوش هیجانی، شناخت احساسات خویش و تصمیم‌گیری مناسب در زندگی است. به‌عبارت‌دیگر هوش هیجانی یکی از نیازهای انسان برای مقابله با مشکلات و مدیریت استرس بوده که دراین‌راستا نفهمیدن احساسات و هیجان‌های دیگران و فقدان کنترل مناسب هیجانات خود در موقعیت‌های مشکل‌زا و شکست در مدیریت مثبت در ارتباط با دیگران، ممکن است منجربه رفتارهای انحرافی نظیر سوءاستفاده از دیگران و جرم شود (۱۸). ازسوی‌دیگر نتایج مربوط به متغیرهای سطح خانوادگی مشخص کرد متغیرهای سطح خانوادگی (مؤلفهٔ حمایت از خودمختاری و کارکرد خانواده) با نگرش به بزهکاری نوجوانان رابطهٔ منفی و معناداری دارند. به‌عبارت‌دیگر با افزایش حمایت از خودمختاری و عملکرد خانواده در سطح خانواده، میزان نگرش به بزهکاری نوجوانان کم می‌شود و برعکس با کاهش حمایت از خودمختاری و عملکرد خانواده، میزان نگرش به بزهکاری این نوجوانان افزایش می‌یابد. همسو با نتایج پژوهش، حسینی و یکه‌کار (۱) دریافتند بین دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی از نظر میزان دل‌بستگی والدی‌فرزندی، کنترل و نظارت والدینی، پایگاه اقتصادی‌اجتماعی و وجود سابقهٔ انحراف در والدین تفاوت معنادار وجود دارد؛ اما درزمینهٔ مراقبت و اعتماد والدینی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. همچنین پرلرنو، کراپارو و تورنابونی (۱۹) بیان کردند گروه مجرم درمقایسه با گروه عادی پیوند عاطفی ضعیف با والدین و دریافت‌نکردن محبت کافی از سوی والدین را بیشتر گزارش می‌کنند. در تبیین نتایج پژوهش می‌توان گفت خانواده مهمترین کانون رشد و پرورش انسان است. به‌گونه‌ای که سبک تربیتی ناسالم و کارکرد معیوب خانواده باعث بروز اختلال‌های رفتاری و بزهکاری در فرزندان می‌شود و خانوادهٔ سالم با ایجاد محیطی امن، زمینه را برای شکوفایی و سازندگی فرزندان فراهم می‌سازد. خانواده همچون سیستمی قدرتمند تمام اعضای خود را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وجود ارتباطات صریح و کارآمد، سلسله‌مراتب قدرت، تقسیم نقش، پاسخ‌دهی عاطفی و مؤثر و وجود ساختارهای قوی و کارساز خانوادگی از عوامل مؤثر در کارآمدی خانواده و اعضایش است (۲۰). بر این اساس می‌توان استنباط کرد که خانواده به‌عنوان مهمترین نهاد اجتماعی جامعه، تأثیر مهمی در نوع نگرش فرزندان به بزهکاری و رفتارهای پرخطر دارد. نتایج پژوهش در سطح اجتماعی نیز نشان می‌دهد متغیرهای سطح اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک شده، ارتباط با همسالان بزهکار) با نگرش به بزهکاری نوجوانان رابطهٔ معناداری دارد. به‌عبارت‌دیگر با افزایش حمایت اجتماعی ادراک‌شده و کاهش ارتباط با همسالان بزهکار در سطح اجتماع، میزان نگرش به بزهکاری نوجوانان کاهش می‌یابد. همسو با نتایج، پژوهش آلبوکردی و نظری و نوری (۱۶) نیز مشخص کرد همنشینی با همسالان بزهکار قادر به پیش‌بینی وقوع بزهکاری است. در تبیین نتایج پژوهش می‌توان گفت حمایت اجتماعی

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

با تقویت پیوند اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی و کاهش فشارهای روانی می‌تواند به‌مثابهٔ مانعی بر ارتکاب به جرم مؤثر واقع شود. حمایت اجتماعی در ابعاد اطلاعاتی، با افزایش آگاهی دربارهٔ مقررات و پیامد اعمال مجرمانه، حمایت مالی با کاهش فشارها و تنش‌ها همچنین حمایت عاطفی با تقویت خودپنداره و تقویت پیوستگی، قادرند نقش بازدارندگی در ارتکاب به جرم ایفا کنند (۲۱). علاوه‌براین باتوجه به اینکه در دورهٔ نوجوانی به‌تدریج نفوذ و تأثیر همسالان بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتار نوجوانان بیشتر می‌شود، ارتباط نوجوانان با گروه‌های همسال بزهکار می‌تواند در بروز رفتارهای نابهنجار از سوی آن‌ها تأثیرگذار باشد.

نوجوانانی که ارتباط بهتر با والدین و بزرگسالان و همسالان دارند و از سوی آنان حمایت بیشتری را دریافت می‌کنند، بیشتر درگیر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و درنتیجه فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهند داشت. همچنین نوجوانانی که از توانمندی‌های فردی بیشتر مانند هوش هیجانی برخوردارند و بهتر می‌توانند هیجان‌های خود و دیگران را شناخته و آن را تنظیم کنند، کمتر درگیر رفتارهای پرخطر می‌شوند؛ لذا در برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته برای نوجوانان که سرمایهٔ عظیم کشور و جوانان آینده هستند باید به نقش این عوامل توجه شود.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد عوامل فردی و خانوادگی و اجتماعی در نگرش به بزهکاری نوجوانان تأثیر معناداری دارد. بنابراین می‌توان گفت

References

1. Hosseini SA, YekkeKar SH. Comparison effective family factors on girls' delinquency in Teheran. Social Research. 2011;4(12):15-97.
2. Lee D, Han Y, Park M, Roh S. Psychological, family, and social factors linked with juvenile theft in Korea. School Psychology International. 2015;36(6):648-70. doi:10.1177/0143034315604184
3. Bar-On R, Brown JM, Kirkcaldy BD, Thome EP. Emotional expression and implications for occupational stress; an application of the Emotional Quotient Inventory (EQ-I). Personality and individual differences. 2000;28(6):1107-118. doi:10.1016/S0191-8869(99)00160-9
4. Arshi M, Sayyad M, Farmani O. Comparison emotional intelligence between girl's adolescents in the family and semi family center in Teheran. Social worker mag. 2014;3:39-47. http://socialworkmag.ir/article-1-41-fa.html
5. Sedikides C, Brewer MB. Individual self, relational self, collective self. Psychology Press. 2015.
6. Preckel F, Niepel C, Schneider M, Brunner M. Self-concept in adolescence: A longitudinal study on reciprocal effects of self-perceptions in academic and social domains. Journal of adolescence. 2013;36(6):1165-75. doi:10.1016/j.adolescence.2013.09.001
7. Ryan RM, Deci EL. Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. American psychologist. 2000;55(1):68-77. doi:10.1037/0003-066X.55.1.68
8. Sarafino EP. Health psychology: biopsychosocial interactions. An Australian perspective. John Wiley & Sons; 2005.
9. Fazli V. Parenting style and attitude toward dlinquency among juvenile 15 to 18 years old. Journal of Crime Prevention Studies. 2010; 5:79-112. [Persian]
10. Wong C, Law KS. The effect of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: an exploratory study. Leadership Quarterly. 2002;13(3):243–74. doi:10.1016/S1048-9843(02)00099-1
11. Shirvani AR, Sarihi Z. The effects of emotional intelligence on counterproductive work behaviors and organizational citizenship. Management Studies in Development and Evolution. 2014;23(74),115-135.
12. Asadi M. Nonmalizing Children's self-concept scale by Pierce & Harris among young students in Kerman [Master's Thesis]. [Kerman, Iran]: Shahid Bahonar University; 1995.
13. Kharrazi SA, Kareshki H. Studying relation between components of parental perception with Self-regulation learning strategies. New Cognitive Science. 2009;11(1):49-55.
14. Salari RS, Shamloo S, Hooman HA, Poorshahbaz A. Comparison of family function between depressed and normal teens. Teheran: The First National Congress of Iran Psychology. 2001.
15. Zimen GD, Dahlem NW, Zimet SG, Farley GK. The Multidimensional Scale ofPerceived Social Support. Journal of Personality Assessment. 1988;52:30–41. doi:10.1207/s15327752jpa5201_2
16. Albokordi S,Nazari AM, Noori R. The role of family and peer groups in Explaining juvenile delinquency. Journal of Zahedan Medical Research. 2011;13:10.
17. Feyzollahi S, Hojatkhah M, Asgari S. The relation of coping styles with stress with tendency to delinquency in boy teens. Institute of Humanities. 2013;145-64. [Persian]
18. Goleman D. Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ. 10th Anniversary edition. New York: Bantam; 2005. 384 p.
19. Pellerone M, Craparo G, Tornabuoni Y. Relationship between Parenting and Cognitive Schemas in a Group of Male Adult Offenders. Frontiers in Psychology. 2016;7. doi:10.3389/fpsyg.2016.00302

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]

20. Nazari A, Aminimanesh S, Shahini A. Family structure, Parental supervision, Affiliation with delinquent peers in Juvenile delinquents and normal. Research in Psychological health. 2013;6(4):660-80.
21. Emadpoor L. The relationship of perceived social support and psychological well-being in students[Master's thesis].Tehran University; 2014.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.58.3]